



اداره سایت: «کاتب هزاره»

آقای سید پرویز کامبخش باید طبق قانون اساسی و مدنی آزاد گردد!

جلالت‌آب رئیس جمهور دولت اسلامی افغانستان آقای حامد کرزی اسلام علیکم و رحمت الله و برکاته!

متأسفانه که در ضمن هزاران و هزاران مصائب جامعه ما، عملیات تروریستی، آدم ربایی، بمباردمان های کورکورانه قوای خارجی در مناطق جنوبی کشور، کشتن روحانیون در مساجد، گردن زدن کارمندان خارجی و داخلی ذریعه طالبان، افزایش مواد مخدر، ترور و اختطاف تاجران ملی توسط دزدان مسلح، قاچاق، رقابت زیانبار حلقات خارجی در کشور، گسترش قومگرایی فاجعه آفرین در هسته های کلیدی دولت و متن جامعه ما، سریدن معلمین مکاتب توسط طالبان در ولایات جنوبی کشور، تلف شدن بیش از صد ها تن از اهالی روستاهای فقیر کشور در زیر برف ها، اخراج اجباری مهاجرین ما از خاک ایران به افغانستان در این فصل زمستان سرد، بی سرنوشتی عودت کنندگان، بیکاری، فقر اقتصادی، افزایش قیمت های نیازمندی های اولیه مردم و... از جمله «عاملین» بحران موجوده کشور ما می باشند که پیش روی مردم داغدیده و دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارند. و اگر راه حل اساسی و منطقی بحران کشور توسط دولت مداران افغانستان بدست نیاید، وضعیت از این هم بحرانی تر خواهد شد.

مضاف بر معضلات فرسایشگر و غم انگیز بالا، بیش از سه ماه است که آقای سید پرویز کامبخش بنا بر عدم مسئولیت قانونی دست اندرکاران محکمه ولایت بلخ در مزار شریف زندانی و اخیرا به اعدام محکوم گردیده است که این امر نه تنها باعث انزجار و اعتراضات سراسر مردمان کشور ما و جهان خارج گردیده، بلکه باعث بدنامی مردم آزادیخواه، میهن دوست و دولت محترم جمهوری اسلامی افغانستان نیز گردیده است. در این مورد با صراحت گفته می توانم که دست اندرکاران قضایی قرون وسطایی ولایت بلخ از دین مبین اسلام، قانون اساسی کشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر استفاده «سیاسی» برده و ارزش های دینی، ملی، مدنی مردم ترقیخواه و

آزادمنش افغانستان را به نفع سیاسی و شخصی خود و حامیان داخلی و خارجی خویش به بازی گرفته اند .



آیا دین مبین اسلام آنقدر «بی بنیاد» است که توسط خواندن مطالب ضد دینی بی اعتبار گردد؟ وقتی که نور محمد تره کی و حفیظ الله امین با پشتوانه اتحاد جماهیر شوروی وقت جنگ مسلحانه را علیه باورهای دینی و سرزمین مقدس ما آغاز کردند، آیا دین مبین اسلام تضعیف شد؟ آیا در زیر اوراق آن نهادها و میثاق های بین المللی که دولت قانونی افغانستان امضاء نموده و به تطبیق آن تعهد سپرده است با اعدام کامبخش نقض نمی گردد؟

در حدود چهل و یا پنجاه سال قبل کتاب بنام « 23 سال محمد » بر ضد حضرت پیغمبر اسلام نوشته شد؛ آیا دین محمدی بی اعتبار شد؟ چند سال قبل سلمان رشدی مؤرخ دربارشاهی انگلیس کتاب به نام «آیات شیطانی» بر ضد دین تألیف و به بازار عرضه نمود؛ آیا دین را سست نمود؟ بعدا چند سال پیش یکی از منابع دنمارکی با توهین کاریکاتور حضرت محمد (ص) را کشید و به مطبوعات به نمایش گذاشت و به تعقیب آن بعضی از نهادهای اروپایی آنرا با تبلیغات بلند تشهیر کردند؛ آیا دین اسلام را متزلزل ساخت؟ چندی سال قبل در جنوب کشور ما مجلهء تکثیر گردید که در آن به قرآنکریم و حضرت پیغمبر اسلام توهین صورت گرفته بود؛ آیا باورهای دین مسلمانان کشور ما را خدشه پذیر نمود؟ چرا در برابر همچو تبلیغات، تهمت ها، انتقادات و غیره که در برابر قرآنکریم و دین محمدی صورت گرفته اند، کدام پاسخ قانع کننده، مدلل، منطقی و علمی داده نشده و نمی شوند؟

در دنیای امروز، خیلی از مردمان سیاه پوست و سفید پوست در امریکا و کشورهای دیگر به صورت «داوطلبانه» به اسلام روی می آورند، آیا بدین ترتیب دین عیسوی از بین می برود؟ از طرف دیگر در جریان بیش از سی سال بحران و جنگ افغانستان به مشاهده رسید که یک عده از مهاجرین کشور ما در پاکستان، اروپا، امریکا و... با انگیزه های متخلف دین محمدی را «ترک» نمودند و دین حضرت عیسی (ع) را پذیرفتند؛ آیا دین محمدی تضعیف شد. در ضمن تعدادی از کمونیست های کشور خویش را می بینیم که برخلاف باورهای لائیک دیروز خود اکنون داوطلبانه نماز می خواند و روزه می گیرد. همچنان کسانی از مجاهدین هم اکنون در کشورهای پیش رفته صنعتی و غربی هستند که برخلاف عقاید دینی خود اکنون عبادت و اطاعت خدا را ترک گفته اند و دلیل می آورند که خداوند مهربان و بخشاینده است. علاوه بر آن کسانی را سراغ داریم که «آگاهانه» خداوند را شایسته پرستش می دانند و بدان صادقانه عمل می نمایند و کردارش در

خانواده و اجتماع بی ریا و انسان دوستانه است. و همچنان تعدادی هم هستند که دین را به صورت «**عنعنوی و غیر شعوری**» پذیرفته و به عبادت مصروف هستند، صرف به نیایش عادت نموده و از «**گوهر**» دین اطلاع چندانی ندارد. و اگر این چنین اشخاص از پرخوری هم مریض شدند، بعد می گویند رضای خداوند بود که ما به این مرض گرفتار شدیم. ولی در ضمن کسانی هم هستند از روی «**تظاهر**» و روی اغراض سیاسی، شخصی و غیره در پیشگاه خداوند ایستاده می شوند تا در محیط اجتماعی خویش افشاء نگردند. اما کسانی هم هستند که خدا و دین را از اساس رد نموده و به صورت مطلق ضد هر دین در جهان می باشند. آیا به این صورت دین آنقدر بی ریشه است که از بین می برود و یا تضعیف شود؟ اگر با دلایل عملی، منطقی، خرد و عقلانیت مسلح باشیم بدون جبر، شکنجه، حبس و حکم اعدام به پاسخ هر مخالف و انتقاد کننده به طور مسالمت آمیز پرداخته می توانیم و آنگاه از جنایت و بحران جلوگیری صورت خواهد گرفت. و اگر از دین، جهان، بشریت، تمدن، علم، دانش روز و ضرورت زمان بی خبر باشیم و آنگاه «**تصور**» می کنیم که مخالفین و منتقدین اساس دینی ما را تضعیف می نمایند که این درست نمی باشد.

چرا «آزادی» را که خداوند یکتا، قانون تکامل طبیعت و حکم ضرورت زمان به انسان داده، آنرا با بهانه های واهی، از روی کذب، خیره سری، اغراض سیاسی، شخصی و... با ذهنیت قبیلوی و غیر علمی خودها از انسان ها سلب می نماییم؟

دین مبین اسلام هرگز از این چنین انتقادات، ضدیت ها، جنگ ها، توطئه ها، ترورهای فکری، اسلام ستیزی ها، تهمت ها، کشتارها و... تمدن ستیزی ها واهمه نداشته و مدافعین راستین و آگاهانه دین اسلام که با دانش روز عمیقاً مسلح اند به عوض جبر، توهین، شکنجه، ترور شخصیت، ترند، حبس، اعدام، نسل کشی با ارائه منطق، استدلال، قناعت و بر بنیاد خرد، عقلانیت، بصیرت، دانش عصر با مدارا، تساهل، رعایت کرامت انسان و حکم نیازمندی زمان در برابر منتقدین، مخالفین و نظایر آن متوسل می گردند. **وقتی که دین مبارک اسلام ما مورد انتقاد، تخریب، پیرش، توهین، ترور، تهمت و امثالهم از سوی یک مسلمان و غیر مسلمان و یا جمع از گروه ها قرار می گیرند؛ ما نباید در برابر آنان از شیوه های حبس، ظلم، شکنجه، اهانت، اعدام و... با «ذهنیت قبیلوی» در نقاب دین کار بگیریم که ظلم در اسلام کاملاً منع است، بلکه نخست از راه استدلال دینی، علمی، منطقی، عقلانی و غیره در زمینه کار گرفته شود و آنچه مربوط به قوانین مدنی و حقوقی می شود به مقام قضایی مدنی- دموکراتیک سپرده شوند تا عدالت بر بنیاد قوانین علمی- مدنی مدرن عملاً رعایت گردد.**

کسانی که منافع ضد انسانی، ایدولوژیکی، طبقاتی، قبیلوی، خاندانی، گروهی شان در خطر باشند؛ آنگاه متأسفانه که در پوشش دین اسلام هر کی را خواست تکفیر نموده و حلق آویز می نمایند تا گویا دین را حفظ کرده باشد. شوربختانه که امروز نظم جامعه و دستگاه سیاسی ما هم در «اسارت» دلالان دینی هستند که با تفسیر غرض آلود از دین به زنان متفکر، روشنفکران، روحانیون متمدن، روزنامه نگاران، دیگراندیشان، فرهنگیان، هنرمندان، متفکرین، دانشمندان،

شخصیت های مستقل اجتماعی، افراد عادی و... علم بردان نور دانش و عقلانیت اتهام کفر را بسته و حکم اعدام آنها را صادر می نمایند و بعد می گویند که ما از حریم دین مقدس اسلام حراست می نماییم. آیا این چنین اشخاص عوامل اجانب، دشمنان دین، مردم و ترقی در افغانستان نیستند؟

اگر آزادی با ذهنیت قبیلوی و بدوی «ذبح» گردد و یا با وسایل دیگری «کشته» شود؛ آنگاه انسانیت کشته خواهد شد. کشتن انسانیت در اصل به معنای کشتن انسان در روی زمین است. کشتن انسان در گیتی به معنای پایان هستی تمدن، بستر تکامل، خرد، عقلانیت، معنویت و بشریت در جهان خواهد بود.

تعداد از هموطنان ما تغییر دین داده و دین عیسوی را قبول نموده، آیا با روی گرداندن آنها از دین، اسلام در افغانستان تضعیف می گردد؟ آیا دین مبین اسلام هرگونه جبر و اکراه را در مورد انسان منع نکرده است؟ آیا با بودن چند فرد مسلمان بی سواد و غیر آگاه از دین و جهان بشریت در جوار مسلمانان، اسلام حفظ می گردد و یا اینکه توسط باورهای متین و آگاهانه مسلمانان راستین سراسر جهان نگهداری می شوند؟ آیا تعداد از مسلمان نماها در کرسی های کلیدی دولت و اجتماع در پوشش دین مبارک اسلام باعث نقض حقوق بشر و نسل کشی مردم نگردیده اند؛ چرا اینها مورد محاکمه قانونی و اعدام قرار نمی گیرند که کامبخش بیگناه به اعدام محکوم می شود؟ طالبان افغان و همفکران شان عملاً خلاف دستورات قرآن، قانون اساسی کشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر مردم بیگناه را با انواع گوناگون به قتل می رسانند؛ چرا این چنین قاتلان مردم مورد محاکمه و مجازات قانونی ملی و بین المللی قرار نگرفته و نمی گیرند که تنها کامبخش به اعدام محکوم می شود؟ آن عده از طالبان که مجسمه های تاریخی بودا را در بامیان منهدم نمودند و تمام بشریت را به واهمه آوردند، چرا قضای افغانستان آنها را مورد محاکمه قانونی و اعدام قرار نمی دهند که پرویز کامبخش را به اعدام محکوم کرده است؟ آیا حکم اعدام کامبخش از سوی محکمه ولایت بلخ مانند حکم اعدام صحرایی طالبان تمدن ستیز در افغانستان نمی باشد؟

اگر پرویز کامبخش به جرم خواندن و پخش مطلب ضد دینی اعدام گردد؛ آیا دین از خطر دشمنان محفوظ می ماند؟ آیا با اعدام غیر قانونی کامبخش؛ آنگاه جامعه بین المللی مردم و دولت جمهوری اسلامی افغانستان را از کمک های خویش محروم نخواهد نمود؟ اگر جامعه جهانی از افغانستان خارج گردد، آیا دین مقدس اسلام توسط طالبان و همفکران آنها مثل شش سال قبل با شدید ترین نقض حقوق بشر، تضییع حقوق زنان و همچنان غارت دارایی جامعه، نسل کشی مردم، نابودی آبادات تاریخی، کوچاندن اجباری اهالی کشور و... حفظ خواهند گردید؟ آیا از وقت ظهور دین مبین اسلام تا کنون از یزید، خلفای اموی، عباسی و... تا طالبان در نقاب دین بر ضد اسلام محمدی عمل نکرده و اکنون طالبان افغان با همکاران داخلی و خارجی خویش تا حال بر ضد دین و انسان عمل نمی کنند و آنها دین را از ریشه ویران نموده اند؟ با یقین می توان گفت که ریشه های دین با تبلیغات، توهین، ترور، قتل عام، توطئه، دشنام، سوزاندن اوراق قرآن کریم، کشتن

روحانیون در مساجد، نسل کشی مسلمانان به جرم هویت های شان و نظایر آن نه تنها تضعیف نگردیده و هرچند که روحیه مسلمانان جریحه دارگردیده و بازهم می شود؛ اما مسلمان با شناخت بیشتر از دشمنان خویش، پایه های دین را مستحکم تر خواهند نمود. آیا بنیاد دین اسلام آنقدر «سست» است که بر اساس خواندن اوراق ضد دینی، توطئه ها، ترور، بی احترامی به قرآن کریم و امثالهم تضعیف گردد؟

جلالتمآب رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان!

آقای پرویز کامبخش با فرهنگی طالبی به صورت پنهانی، بدون داشتن وکیل مدافع و دور از انتظار عامه به اعدام محکوم گردیده است. و در ضمن جای نهایت تعجب اینست که سنا (مشرانو جرگه) وظیفه اساسی خود را کنار گذاشته و به صورت غیر قانونی به حمایت از فیصله محکمه ابتدایی در مورد حکم اعدام کامبخش پرداخته است. آیا «مداخله سیاسی» اعضای مجلس اعیان کشور در امور قضائیه، اصل استقلال قانونی هر سه ارگان های دولتی افغانستان را زیر سوال نمی برند؟ آیا اینگونه مداخله سنای کشور ناشی از بی خبری آنها در مورد «حدود» صلاحیت قانونی شان نمی باشد؟ آیا اعضای سنای کشور تا کنون تفکیک وظایف و استقلال قوای قضائیه، قوای اجرائیه و قوای تقنینیه را ننموده و چگونه در مرکز سنای کشور عمل و داوری می نمایند؟ آیا حمایت غیر قانونی مشرانو جرگه از فیصله محکمه ابتدایی ولایت بلخ در قسمت اعدام کامبخش یک برخورد سیاسی، گروهی و توطئه گرانه نمی باشد؟

جناب عالیقدر آقای حامد کرزی رییس جمهور دولت اسلامی افغانستان!

شما که همیشه از تحقق آزادی بیان، جامعه مدنی، تطبیق قانون اساسی، تأمین امنیت، ختم جنگ، بازسازی، تحکیم پایه های بافتار دولت مستقل ملی و دموکراتیک در افغانستان سخن به زبان می آورید، ناقضین حقوق بشر را نکوهش می نمایید، اعمال غارتگرانه دولتمداران عالی رتبه را از خون مردم مورد انتقاد قرار می دهید، از بمباردمان های قوای خارجی بالای امکان مردم شکایت می دارید و همچنان از عقب بلند گوها به خاطر کشتار مردم که توسط عملیات انتحاری طالبان و القاعده همواره صورت می گیرند، اشک می ریزانید؛ اینجاست که منافع انسانی، اسلامی، ملی - دموکراتیک مردم و کشوری ما ایجاب می نمایند که آقای کامبخش را بر اساس قوانین مدنی کشور و ماده های مثبت حقوقی بین المللی بدون قید و شرط از زندان آزاد نموده و کسانی که خلاف دین اسلام، قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر میثاق های بین المللی به حبس، اعدام، کشتار، تولید مواد مخدر، قاچاق، غارت، فساد اداری، عملیات انتحاری، کشتار مردم و... اقدام نموده و می نمایند به مجازات قانونی محکوم و عدالت انتقالی را لطفا در افغانستان تحقق بخشید.

در ضمن دست اندرکاران جامعه مدنی، روزنامه نگاران، حقوق بشر، میثاق های پذیرفته شده جهانی و همچنین نویسندگان، آزادیخواهان، منتقدین، فرهنگیان و تمام نهادهای مستقل ملی-دموکراتیک کشور ما و جهان از دولت افغانستان آروزمند هستند که آقای پرویز کامبخش را از زندان آزاد نمایند و آزادی بیان و عقیده باید طبق قانون اساسی کشور حفظ گردد.

و همچنین برای آقای کامبخش «اعاده» شخصیت صورت گیرد و «خسارات» معنوی، مادی، اجتماعی، تعلیمی و... که برای آقای کامبخش از سوی دست اندرکاران قضایی قرون وسطایی ولایت بلخ صورت گرفته اند، فوراً جبران گردند. در ضمن قضات مذکور باید از این عمل ضد انسانی، ضد اسلامی و ضد قانونی که مرتکب شده اند از پیشگاه بشریت، خداوند یکتا، مردم افغانستان، پرویز کامبخش و خانواده محترم وی «عذرخواهی» نمایند. و این چنین مفسدین اداری باید توسط دولت افغانستان طبق قانون اساسی، جامعه مدنی و نهادهای حقوقی از وظایف شان برکنار گردیده و مورد «مجازات» بیشتر قرار گیرند تا یک «سراغاز پند» لازم و گسترده برای سایر عاملین فساد اداری، متخلفین قانون، خائنین ملی و دشمنان مردم افغانستان گردد. به امید تحقق قانون اساسی، تأمین امنیت، برقرار صلح دایمی، ایجاد پایه های وحدت ملی، تسریع لازم بازسازی کشور، زدودن وابستگی فاجعه آفرین از اجانب، تحکیم نهادهای لازم برای شکل گیری اساسی دولت مستقل ملی- دموکراتیک برای یک افغانستان تجزیه ناپذیر، مستقل و واحد می باشیم.

ومن الله التوفیق

از طرف سایت انترنتی «کاتب هزاره» به مسئولیت غلام سخی ارزگانی

Publisher:

Ghulam Sakhi Oruzgani

Phone: +49 162 3702587

Phone: 0049-4152-8477045

www.kateb-hazara.net

Email: info@kateb-hazara.net

روز چهارشنبه 10 دلو 1386 خورشیدی برابر با 30 جنوری 2008 میلادی/ آلمان